



حضرت مهدی علیه السلام در قرآن و روایات

شهناز ملک زاده

شهرستان میبد

مدرسه علمیه حضرت زهرا(س)

بهار ۹۲

چکیده:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر کسی بمیرد در حالی که امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است». (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ح ۳، ص ۳۷)

در این مقاله بر آن شدم که پیرامون شخصیت حضرت مهدی علیه السلام سخن بگویم برخلاف بسیاری از پژوهشگران که بیش‌تر در مورد حکومت آن حضرت و منتظران آن حضرت سخن می‌گویند.

در ابتدا با بررسی مختصری از زندگی‌نامه امام دوازدهم علیه السلام شیعیان به ذکر مشخصاتی از قبیل نام و القاب و نام پدر و مادر و همچنین چگونگی متولد شدن ایشان سخن به میان آمده است. و پس از آن آیاتی که در مورد آن حضرت نازل شده بیان شده است و در ادامه تحقیق به ذکر خصوصیات ظاهری و روحانی ایشان پرداخته و در آخر نیز به برخی شبهات در مورد ولادت ایشان، و این که آیا قائم علیه السلام آیا همان مسیح علیه السلام است و آیا قائم ظهور خواهد کرد و... پاسخ داده‌ام.

کلیدواژه‌ها: حضرت مهدی علیه السلام، قائم، موعود، قرآن.

مقدمه:

موضوع مهدویت از جمله موضوعاتی است که هر چه به آن پرداخته شود اهمیت آن بیش‌تر روشن می‌شود؛ به دلیل اینکه در این دوران که هر کسی در پی منحرف کردن اذهان عمومی است، بایستی در مورد مهدویت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام توجه بیش‌تری شود تا برخی به راحتی نتوانند با ادعای دروغین خود زمینه را برای کوردلان دین ستیز آماده کنند و مردم را نیز با خود به سقوط بکشانند.

در این مختصر تلاش شده تا با بیان آیاتی که در آن‌ها از شخصیت حضرت مهدی علیه السلام -و نه فقط نوع حکومت ایشان- سخن به میان آمده است از بروز انحرافات مذکور جلوگیری نماید و به سؤالاتی از قبیل این که آیا نامی از حضرت مهدی علیه السلام در قرآن وجود دارد یا نه؟ و این که آیا خصوصیات ظاهری و باطنی ایشان نیز آمده یا نه؟ و اگر آمده چه خصوصاتی برای ایشان بیان شده است؟

برای پاسخ به این سؤالات و چند سؤال دیگر در ابتدا به بیان مختصری از زندگی‌نامه حضرت و در مورد چگونگی تولد ایشان سخن آورده‌ایم و پس از آن از آیاتی که در قرآن آمده و در مورد شخصیت خود حضرت است و مواردی دیگر در مورد ایشان گفته‌ایم و در آخر نیز به بیان شبهاتی در مورد وجود مبارک امام دوازدهم علیه السلام پرداخته‌ایم و پاسخی کوتاه به شبهات داده شده است.

زندگی‌نامه حضرت مهدی علیه السلام

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء یکی از شهرهای عراق دیده به جهان گشود.

پدر گرامی او، پیشوای یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت، بانویی شایسته به نام نرجس بود که درباره ملیّت او روایات، مختلف است. ولی آنچه مهم است اینکه حضرت نرجس علیه السلام مدتی در خانه حکیمه خاتون علیه السلام -از خواهران بزرگوار امام هادی علیه السلام - بوده و تحت تعلیم ایشان قرار گرفته است و مورد احترام فراوان حکیمه علیه السلام بوده است. حضرت نرجس علیه السلام آن بانویی است که سال‌ها پیش در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام مورد ستایش قرار گرفته و از او به عنوان بهترین کنیزان و سروران آنان یاد شده است.

روایات بسیاری از چگونگی متولد شدن حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که همگی به این نکته اشاره کردند که در شب تولّد ایشان در حضرت نرجس علیه السلام اثری از حمل نبوده و تولّد ایشان حتی از دید حکیمه خاتون علیه السلام نیز پنهان بوده است. حضرت مهدی علیه السلام در هنگام تولّد به حالت سجده بوده‌اند که شکر خداوند متعال را می‌نمودند و وقتی امام حسن عسکری علیه السلام به عمّه خود گفتند که فرزند را نزد ایشان ببرد، حکیمه خاتون علیه السلام وی را پاک یافت و وقتی وی را نزد پدرش برد، امام حسن علیه السلام به نوزاد امر کرد که سخن بگوید و مهدی علیه السلام سخن گفت و به یگانگی خداوند و رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت حضرت علی علیه السلام شهادت داد.^۱

در اقوال گوناگونی است که ایشان (حضرت مهدی علیه السلام) تک تک اوصیاء و پیامبران الهی تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برشمردند و آنگاه امام حسن علیه السلام فرمود: بخوان! پس کودک خواند آنچه نازل شده بود بر پیغمبران و ابتدا صحف ابراهیم علیه السلام را خواند آن هم به زبان سریانی، و پس از آن کتاب ادريس علیه السلام و

۱. میرزا حسین، طبرسی نوری، نجم الثاقب در احوال حضرت ولی عصر صاحب العصر و الزمان بقیه الله الأعظم علیه السلام، چاپ دوم، مشهد: هاتف، ۱۳۸۹، صص ۴۵-۴۶.

نوح علیه السلام و صالح علیه السلام و تورات موسی علیه السلام و انجیل عیسی علیه السلام و فرقان محمد صلی الله علیه و آله را خواند و پس از آن قصص انبیاء را نقل کرد.^۱

پس از آن تمام امامان را نام بردند تا اینکه رسیدند به نام خودشان. فرمودند: «اللهم انجز لی ما وعدتني و اتمم لی امری و ثبت و طأتی و املاء بی الأرض قسطاً و عدلاً».^۲

توگد امام زمان علیه السلام پنهان نگاه داشته شد و امام حسن عسکری علیه السلام خبر آن را تنها به عده‌ای از شیعیان داده بود. حضرت در سال ۲۶۰ هـ ق پس از وفات پدر به امامت رسید. امامت ایشان بنا به حدیث‌های بسیاری بود که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان پیشین روایت شده بود. امام زمان علیه السلام پس از آنکه بر جنازه پدر نماز گزارد از چشم مردمان پنهان شد. سبب پنهان شدن آن حضرت این بود که خلیفه‌های عباسی تصمیم به کشتن او داشتند.

حضرت مهدی علیه السلام دارای دو غیبت است: یکی غیبت صغری که در زمان این غیبت چهار نائب ارتباط مستقیم با ایشان داشتند و مردم از این چهار نائب برای بهره بردن از امامشان استفاده می‌کرد و دیگری غیبت کبری که در این دوران حضرت نائبی برای خود قرار نداده‌اند، ولی مردم همچون خورشید پشت ابر از ایشان بهره‌ها می‌برند؛ چرا که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «امام [مهدی] از دیدگان مردم پنهان می‌شود ولی یاد او از دل‌های مؤمنان فراموش نمی‌شود». (غیبت نعمانی، باب ۱۰، فصل ۴، ح ۵، ص ۱۷۶)

وصی رسول خدا امام علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما بیا می‌خیزد، بیعتی از هیچکس بر عهده ندارد و از همین روست که ولادتش پنهان می‌باشد و غیبت اختیار می‌کند!» و نیز فرموده‌اند: «برای قائم ما خاندان غیبتی است طولانی؛ گویا شیعیان را می‌بینم که در غیبت او چون چرندگانی در جستجوی چراگاه سرگردانند؛ آگاه باشید هر کس از آنان که بر دین خود پایدار بماند و درازی ملت غیبت پیشوایش، قلب او را به قساوت و اندارد، او در رستخیز همراه من و در درجه من خواهد

۱. همان، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۴۵.

به کسانی که معتقدند قائم علیه السلام همان مسیح علیه السلام است نیز می‌توان با استفاده از احادیث پاسخ دهیم که در روایات آمده است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام حضرت مسیح علیه السلام از اولین افرادی است که به ایشان اقتدا می‌کند و پشت سر ایشان به نماز می‌ایستد.^۱

شبهه سوم:

در مورد اینکه مهدی علیه السلام از اهل بیت است شیعه و سنی اتفاق نظر دارند آن هم به خاطر تواتر احادیث از شیعه و سنی است؛ مثلاً احمد بن حنبل در مسند از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین می‌آورد: «قیامت برپا نمی‌شود جز آن که زمین از ستم و دشمنی پر گردد سپس فرمود: آنگاه مردی از عترت یا از اهل بیت من خروج خواهد کرد، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از دشمنی و ستم پر شده است».^۲

یا ابن ابی شیبیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است که: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند یکی از اهل بیت مرا خواهد فرستاد تا زمین را پر از عدل کند همان گونه که از ستم پر شده است».^۳

یا محمد بن عیسی ترمذی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین آورده که رسول خدا فرمودند: «مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است».^۴

ابن حبان در صحیح خود نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می‌کند: «مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد که هم نام من است و خُلق و خویش همانند خُلق و خوی من است».^۵

امام رضا علیه السلام در روایتی فرمود: «الْخَلَفُ الصَّالِحُ مِنْ وَلَدِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَهُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَهُوَ الْمَهْدِيُّ؛ فرزندان صالح از فرزندان امام حسن عسکری، صاحب الزمان است و همو مهدی است».

۱. ابن بابویه قمی، کمال الدین، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶.

۲. فتح الله، نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی، ص ۱۹۸.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

حاصل آن که روایت فریقین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از اهل بیت علیهم السلام یا عترت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شناسند و مدعیان دروغین که گمانی جز این دارند جز سخنی گزاف چیزی نمی‌گویند.

شبهه چهارم:

برای اثبات امامت راهی جز نصّ و معجزه نیست؛ زیرا از جمله شرایط امام عصمت است که اگر امام معصوم نباشد هدف از نصب او تحقق نمی‌یابد. عصمت حالتی است نفسانی و کسی آن را نمی‌داند مگر خداوند و کسانی که خداوند علم آن را به آن‌ها الهام فرموده باشد.

امام معصوم را با یکی از این دو راه به مردم معرفی می‌گردد: ۱- به وسیله پیغمبر و یا امام قبلی؛ ۲- به وسیله معجزه‌ای که به دست او انجام شود و چون امام برای مردم معین شده بر آن‌ها واجب است که به او مراجعه کنند و اعتماد نمایند که «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا».^۲

امام صادق فرمودند: «آیا گمان می‌کنید که هر یک از ما به هر کس دلمان بخواهد می‌تواند وصیت کند؟ نه به خدا قسم بلکه امامت عهد و پیمانی است از طرف خدا و رسولش برای مردی پس از مردی دیگر تا امر به صاحبش برسد».^۳

شیخ صدوق در خبر صحیحی از عثمان بن سعید عمری روایت آورده که گفت: «در محضر ابومحمد حسن بن علی (امام عسکری) بودم از آن بزرگوار سؤال شد از خبری که از پدرانش روایت شده که «زمین از حجت الهی بر مخلوق خالی نخواهد ماند تا روز قیامت و هر که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است» فرمود: البته درست است و حق، همان طور که روز حق است. عرض شد: یابن رسول الله امام و حجت بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزند من محمد که امام و حجت بعد از من است هر که بمیرد و او را نشناسد به مردن جاهلیت مرده است...».^۴

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ب ۴، ص ۴۳.

۲. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۶.

۳. محمدبن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷.

۴. سیدمحمدتقی، موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ص ۶۵.

نتیجه:

با توجه به تمامی مباحثی که ذکر شد می‌توان دریافت که ضرورت و اهمیت تحقیق در مورد شخصیت حضرت مهدی تا چه اندازه زیاد است و چه میزان کم کاری ما شیعیان می‌تواند در بروز مشکلات و خاطرات تلخ در مورد مسئله امام زمان به وجود آورد.

پس بهتر است هر یک از ما بیش‌تر از پیش و بهتر از گذشته‌ها به این مبحث توجه و در راه پژوهش در این راه بیش‌تر اهتمام ورزیم.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱- طبرسی نوری، میرزاحسین، نجم الثاقب در احوال حضرت ولی عصر صاحب العصر و الزمان بقیة الله الأعظم علیه السلام، چاپ دوم، مشهد: هاتف، ۱۳۸۹.
- ۲- حسینی بحرانی، سیدهاشم، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۴.
- ۳- یوسفیان، مهدی، امام مهدی علیه السلام در قرآن، چاپ نهم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۱.
- ۴- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۴، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۵- موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، ج ۱، چاپ هشتم، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸.
- ۶- عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، تهران: چاپ خانه علامه، ۱۳۸۰ ه ق.
- ۷- مرعشی، قاضی نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ ه ق.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ترجمه: مترجمان، ج ۲، مشهد: پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- ۹- قمی، ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵ ه ق.
- ۱۰- سیدعبدالله، شبر، حقّ الیقین فی معرفه اصول الدّین، چاپ دوم، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۴ ه ق.
- ۱۱- حسان، حاکم، شواهد التنزیل، ج ۱، چاپ اول، بی جا: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه - التابعه لوزارة الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۲- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، چاپ سوم، بی جا: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
- ۱۳- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.

- ۱۴- استرآبادی، سیدشرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، تهران: مؤسسه بعثت، بی تا.
- ۱۵- جبل عاملی، سیدمحسن، ترجمه اعیان الشیعہ، بخش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بی جا: بی نا، بی تا.
- ۱۶- حائری پور، محمد مهدی مهدی یوسفیان و محمدامین بالادستیان، نگین آفرینش، چاپ سی و ششم، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰.